Archive of SID

مطالعات فقه اقتصادی
Economic Jurisprudence Studies

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

تأثیر عنصر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی با تکیه بر ادله فقهی و مبانی نظری آن

محسن رجب‌زاده[۱]، علیرضا مظلوم رهنی[۲*]، علیرضا رجب‌زاده[۳]

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار و عضو هیأت علمی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه رجاء، قزوین، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۰-۸۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

اضطرار، تزاحم، حدیث رفع، قاعده لاضرر، قرارداد اقتصادی.

نویسنده مسوول:

علیرضا مظلوم رهنی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.

تلفن:

۰۷۶-۳۵۲۸۷۰۰۱

کد ارکید:

0000-0001-9806-2856

پست الکترونیک:

dr.mazloom14@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: مواجهه با شرایط اضطرار و به تبع آن عدم انجام تعهدات مندرج در قراردادها، یکی از مباحث مهم در عصر جدید است. با توجّه به ارتباط تنگاتنگ نظام حقوقی ایران با قواعد و احکام فقهی و درنظر داشتن مبانی نظری اضطرار، تأثیر عنصر مزبور بر نظام قراردادهای اقتصادی با تکیه بر مؤلّفه‌های گفته شده، هدف پژوهش پیش روی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: نوع پژوهش حاضر، توصیفی بوده و روش بکار گرفته شده در آن، توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، حاکی از تأثیرگذاریِ عنصر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی در دو سطحِ مفاد و شروط قرارداد اقتصادی و همچنین بقاء یا انحلال آن می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان بایسته اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

نتیجه‌گیری: بررسی تأثیر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی با توجّه به ادلّه فقهی و مبانی نظری آن، نشان می‌دهد که در صورت عدم پیش‌بینیِ ساز و کارهای حقوقی لازم به منظور کنترل دامنه این تأثیرات، تعارض آشکار آنها با ادلّهٔ فقهی، بی‌اثر شدن مبانی نظری و دور شدن از فلسفه اصلی وضعیت اضطراری، امری دور از ذهن نخواهد بود.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدمه

اضطرار، واقعیتی جاری در زندگی فردی و جمعی انسان‌ها بوده و خواه ناخواه، عاملی تعیین‌کننده در برخی رفتارهای بشری محسوب می‌گردد. اضطرار، صرفاً شامل فروش مال به منظور رفع درماندگیِ ناشی از گرسنگی، قحطی، درمان و... نیست، بلکه در تمام لایه‌های روابط اجتماعی، به صورت ملموس، نقش قابل توجهی را ایفاء می‌نماید. اضطرار، موقعیتی نسبی است که کاملاً وابسته به اوضاع و احوال خارجی است و نمی‌توان معیار و ضابطه نوعی به منظور تشخیص حوادث و وقایع موجب اضطرار، ارائه داد؛ بلکه بایستی به نظر عرف و شرایط عینی رجوع نمود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ۹۱). فارغ از ضابطه تعیین اضطرار، بایستی گفت که به طور کلّی، انگیزه اصلیِ رفتار ناشی از اضطرار، دفع خطر است. اضطرار به دلیل تولید مناسبات جدید میان اشخاص و به وجود آوردن آثاری تازه در حقوق و وظایف آنها، یکی از موضوعات مهم و مورد توجّه علم حقوق می‌باشد. با توجّه به اینکه قرارداد، عنصری مهم و لاینفک از هر نظام حقوقی است، تأثیر اضطرار بر نظام قراردادهای حقوقی و چند و چون آن، همواره مورد توجّه بسیاری از صاحب‌نظران (باریکلو، ۱۳۸۲؛ کاظم‌پور، ۱۳۹۱؛ سعادت مصطفوی و نورآبادی، ۱۳۹۶) بوده است. از آنجا که نظام حقوقی ایران، دارای ارتباط تنگاتنگ با قواعد و احکام فقهی است؛ به نحوی که در برخی موارد، قواعد حقوقی به طور کامل به تبعیت از شریعت و منابع فقهی شکل گرفته است و همچنین با توجّه به مبانی نظری اضطرار و وضعیت اضطراری، در پژوهش پیش روی، بر آن شدیم تا با تکیه بر این دو مورد و با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین و ارزیابی تأثیر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی بپردازیم.

۲. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان مهمترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

۳. مواد و روش‌ها

نوع پژوهش حاضر، توصیفی بوده و روش بکار گرفته شده در آن، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و با استناد به کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد و پایگاه‌های اینترنتی خواهد بود.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش، حاکی از تأثیرگذاریِ عنصر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی در دو سطح مختلف می‌باشد که عبارتند از: تأثیر اضطرار بر مفاد و شروط قرارداد اقتصادی و همچنین تأثیر اضطرار بر بقاء یا انحلال قراردادهای اقتصادی.

۵. بحث

در این قسمت به عنوان بدنه اصلی پژوهش، پس از بیان اختصاریِ مفاهیم کلیدی و همچنین ادلّه فقهی و مبانی نظری اضطرار، تأثیر آن بر نظام قراردادهای اقتصادی با تکیه بر مؤلّفه‌های گفته شده را تبیین و ارزیابی خواهیم نمود.

www.SID.ir

Archive of SID

۵-۱. مفاهیم

شناسایی مفاهیم عمده در یک پژوهش، امری است که ممکن است در بدو نظر واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم یک نوشتار و رها نمودن مفاهیم از تردید و دوپهلویی با مفهوم‌شناسی جامع، ورود در مباحث ماهویِ پژوهش با اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارندگان بر مفهوم‌شناسی، نه صرفاً به منظور گردآوردیِ برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم شناسیِ کاربردی است.

۵-۱-۱. اضطرار

اضطرار در لغت عرب، به عنوان مصدر باب افتعال از ریشه ضرر و به معنی محتاج بودن، درمانده و ناچار بودن و مجبور شدن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸، ۴۵). در مفهوم اصطلاحی، اضطرار را می‌توان حالتی از ضرورت (نوربها، ۱۳۹۰، ۲۷۵) تلقی نمود که در اثر شرایط تهدیدآمیز و غیرقابل تحمّل، مرتکب را به سوی فعل نادرست می‌کشاند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۴، ۱۲۵)؛ به نحوی که در این حالت، نگهداری حق و یا مالی، ملازمه با آسیب رساندن به مال غیر و به تبع اولی، ارتکاب جرم دارد. در کنار مفهوم اضطرار، بایستی به مفهوم اکراه نیز توجه داشت. بارزترین تفاوت اضطرار با اکراه، در وجود شخص مکرِه در اکراه است که در اضطرار، به جای آن، شرایط اضطراری قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تحقق چنین شرایطی، قابل انتساب به شخص خاصی نیست (دانش نهاد و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ۶۸). در نظام حقوقی و کیفریِ حال حاضر ایران، تعریف صریح و شفافی از اضطرار به عمل نیامده و صرفاً به تبیین احکام و آثار بعضی از اَعمال اضطراری بسنده شده است. ماده ۲۰۶ قانون مدنی بدون تعریف اضطرار، صرفاً مقرر داشته: «اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند، مکّره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود». به طور کلّی در عرصه حقوق مدنی، اضطرار را می‌توان در دو بخش مجزا مورد طرح و بررسی قرار داد: نخست درخصوص اَعمال حقوقی مانند بحث مانند اضطرار در معاملات و قراردادها و دیگری درخصوص وقایع حقوقی مانند اضطرار در مسئولیت مدنی و ضمان قهری (آخوند خراسانی، ۱۴۱۷، ۱، ۳۸۴). در حقوق کیفری نیز با اینکه برخی از آثار و احکام مربوط به اَعمال اضطراری بیان گردیده است، لیکن تعریفی از مفهوم اضطرار در قوانین کیفری ارائه نشده است همانگونه که پیشتر گفته شد، تأثیر عنصر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی با تکیه بر ادلّه فقهی و مبانی نظری اضطرار، موضوع بحث پژوهش پیش روی می‌باشد؛ بنابراین، تبیین مفهومی و اصطلاحیِ قرارداد اقتصادی نیز ضروری به نظر می‌رسد.

۵-۱-۲. قرارداد اقتصادی

قرارداد یا عقد به موجب ماده ۱۸۳ قانون مدنی، عبارت است از اینکه یک یا چند نفر، در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. مستفاد از ذکر عبارت «جهت معامله» در بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، قرارداد اقتصادی را می‌توان گونه‌ای از قرارداد تلقی نمود که جهت

www.SID.ir

Archive of SID

(هدف) آن ناظر بر مؤلّفه‌های مالی و اقتصادی باشد؛ بر این مبنا، می‌توان کثیری از قراردادهای منعقده میان اشخاص (اعم از عقود معین و غیرمعین) در سطح خُرد و کلان را تحت عنوان قرارداد اقتصادی، تبیین و تحلیل نمود که از جمله آنها می‌توان به قرارداد مالی، قرارداد سرمایه‌گذاری، قرارداد مشارکت اقتصادی، قرارداد بانکی، قرارداد گمرکی و... اشاره نمود. به موجب حکم عام مقرر در ماده ۲۰۶ قانون مدنی، چنانچه کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند، مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود که این حکم عام، در مورد قراردادهای اقتصادی نیز ساری و جاری است؛ بنابراین بر خلاف اکراه که رضای معاملی را مخدوش و قرارداد را غیرنافذ می‌سازد، اضطرار اگرچه رضای فرد را مخدوش می‌سازد، ولی به صحت و نفوذ عقد، خللی وارد نمی‌آورد. علاوه بر نظام حقوقی ایران، عمده نظام‌های حقوقی نیز قراردادهای شخص مضطر را صحیح و نافذ، تلقی می‌نمایند (قافی، ۱۳۸۳، ۷۳).

۵-۲. ادلّه فقهی و مبانی نظری اضطرار

۵-۲-۱. ادلهٔ فقهی اضطرار

یکی از عناوین ثانویه مشهور در فقه، اضطرار است که با وجود آن، حرمت فعل، مرتفع و مجازات نیز منتفی می‌گردد. اضطرار -که در فقه از آن تحت عنوان «کلّ حرام مضطر الیه، فهو حلال» و «الضرورات تبیح المحظورات» نیز یاد می‌شود- از قواعد معروف فقهی است. بیشتر فقها با بیان مثال، اضطـرار را تعـریف کـرده‌اند و در هیچ یک از کتاب‌های فقهی، نمی‌توان تعریف دقیقی در مورد قاعده اضطرار پیدا کرد (حیدری خورمیزی، ۱۳۹۵، ۷۱). در برخی تعاریف نادر و البته قابل تأمّل که از جانب برخی فقها به عمل آمده، اضطرار را امری تعریف نموده‌اند که بر آن نمی‌توان صبر کرد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲۴۵) و یا عادتاً نمی‌توان تحمل نمود (نجفی، ۱۴۰۷، ۴۲۷). با وجود اینکه قاعده اضطرار، در سراسر فقه کاربرد داشته و دارای آثار عملی است، علاوه بر عدم تعریف جامع، مورد بررسی مستقل و منسجم نیز قرار نگرفته و حتی فقهای بزرگ متأخر همچون میرفتاح مراغه‌ای صاحب العناوین، ملا احمد نراقی صاحب عوائد الایام و همچنین میرزا حسن بجنوردی صاحب القواعد الفقهیه، از این قاعده در کتب خود، به صورت مستقل یاد نکرده‌اند (وطنی، ۱۳۸۱، ۱۸۸). با وجود آنچه گفته شد، از مباحث مطرح شده فقها پیرامون بیع مضطر و نیز جواز خوردن و آشامیدن محرمات مانند اکل میته و شرب خمر، می‌توان به تعریفی از اضطرار از منظر فقهای امامیه دست یافت و آن عبارت است از وضعیت پیش آمده برای یک شخص به واسطه حوادث طبیعی یا درونی که برای رهایی از مشقت تحمّل‌ناپذیر آن، شخص چاره‌ای جز اقدام به یک عمل حقوقی ندارد (حکیمیان، ۱۳۹۶، ۴۱۶-۴۱۵). از مهمترین ادلّه فقهی ذکر شده برای حالت اضطراری، می‌توان به حدیث رفع و... اشاره نمود.

www.SID.ir

Archive of SID

۵-۲-۱-۱. حدیث رفع

در حدیثی از امام صادق (ع)، از پیامبر (ص) اینگونه نقل قول شده است: «رفع عن امتی تسعةٌ: الخَطَأُ و النِّسیانُ و ما اکرِهوا علَیه و ما لا یعلَمونَ و ما لایطیقونَ و ما اضطُرُّوا إلَیه و الحسد و الطِّیرَةُ والتَّفکرُ فی الوسوسةِ فی الخَلقِ ما لم ینطقْ بِشَفَةٍ». نُه چیز، از امّت من برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه بِدان مجبور شوند، آنچه نمی‌دانند، آنچه از توانشان بیرون است، آنچه بِدان ناچار شوند، حسادت، فال بد زدن و تفکر وسوسه‌آمیز در آفرینش، تا زمانی که به زبان آورده نشود. نکته‌ای که در این حدیث مورد نظر است و بدان وسیله قاعده را اثبات می‌کند، عبارت «ما اضطروا الیه» است و مفاد این عبارت، برداشته شدن تکلیف در موارد اضطرار است. این حدیث که به حدیث رفع شهرت یافته، با تعابیر دیگری نیز نقل شده که در کتب اصولیون (انصاری، ۱۴۲۲، ۲، ۲۸) از آن بحث شده و آنچه مورد وفاق عمدهٔ آنان است، در موضوعات نُه‌گانه فوق، نفی کیفر و مؤاخذه را برحسب مورد و به اقتضای مقام، ثابت دانسته‌اند.

۵-۲-۱-۲. قاعده لاضرر

قاعده‌ای همچون قاعده لاضرر را نمی‌توان یافت که فقها درخصوص آن، تا این میزان بحث و بررسی کرده باشند. به این قاعده هم در عبادات و هم در معاملات یعنی از کتاب صلات تا حدود و قصاص و دیات استناد شده است. فقهای زیادی همچون شیخ انصاری، علامه ملا احمد نراقی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزای نآئینی، امام خمینی و حسینی سیستانی بحث مستقلی را به این قاعده اختصاص داده‌اند. در اغلب نظام‌های حقوقی معاصر، این قاعده تحت عنوان «عدم جواز سوءاستفاده از حق» مطرح شده و اهمیت آن به اندازه‌ای است که برخی (مطهری، ۱۳۵۷، ۳۶) از این قاعده به عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند و آن را از قواعد حاکمی دانسته‌اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. مفاد عبارت «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» نزد فقها در معانی مختلفی همچون نفی حکم ضرری (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۰، ۲۰-۱۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ۱، ۱۸۲)، نفی موضوع ضرری (آخوند خراسانی، ۱۴۱۷، ۱، ۳۸۱)، نفی ضرر غیرمتدارک (انصاری، ۱۴۲۲، ۲، ۴۶۱-۴۶۰؛ مراغه‌ای، ۱۴۲۹، ۳۰۵)، نهی از ضرر (شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۴۰۷، ۲۸) و حکم حکومتی (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳، ۱۱۲) استعمال گردیده است. اگرچه بسیاری از فقها این قاعده را تنها در مقام نفی حکم می‌دانند و نه جعل آن، ولی در تعداد قابل توجهی از مسایل فقهی، به جنبه اثباتی قاعده لاضرر اشاره شده است. در مجموع فقها، قاعده لاضرر و لاضرار را حاکم بر قواعد دیگر می‌دانند و به اصطلاح امروزی، برای آن حق وتو قائل‌اند. آنچه قاعده لاضرر را به مثابه دلیلی برای وضعیت اضطراری مطرح می‌نماید، وجود عنصر ضرر در تحقق وضعیت مزبور می‌باشد. می‌توان مدعی شد که اضطرار، محل تلاقی ضررهاست که متناسب با شرایط بخشی از آن، برای دفع بخش دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد تا بدین طریق، ضرر بزرگتر با

www.SID.ir

Archive of SID

ضرر کوچکتر دفع گردد (آرامش، ۱۳۸۸، ۳۲). طبیعی است که به دلیل وجود ضرر در وضعیت اضطراری، شخص حق دارد بر مبنای مفاد قاعده لاضرر و به منظور جلوگیری از تحقق زیان بزرگ‌تر، هرگونه اقدام متعارفی را به عمل آورد.

۵-۲-۲. مبانی نظری اضطرار

۵-۲-۲-۱. تزاحم ضرورت‌ها (تزاحم احکام)

اضطرار وضعیت ضررآفرینی است که انسان برای دفع آن، گریزی جز ارتکاب عمل زیان‌بارِ دیگر ندارد. شخص مضطر عملاً با زیان‌هایی مواجهه است که گریز از یکی، مستلزم روی آوردن به دیگری است و انتظار معقول و متعارف از مضطر نیز آن است که ضرر اشد را با ضرر اخف دفع نماید؛ به عنوان مثال، نجات جان خود و حفظ نفس، یک ضرورت حیاتی و نیاز طبیعی محسوب می‌شود و از طرف دیگر، رعایت حقوق دیگران و اجتناب از تجاوز به مال غیر، یک ضرورت حقوقی و اجتماعی به شمار می‌رود؛ در این حالت، چنانچه شخص مضطر بخواهد ضرورت اول را تحقق بخشد، ناچار به نادیده گرفتن ضرورت دیگر خواهد بود و اگر بخواهد ضرورت اخیر را جامعه عمل بپوشاند، جان خود را خواهد باخت؛ بنابراین بایستی گفت که اضطرار، ماهیاتاً عبارت است از تزاحم ضرورت‌ها که به مثابه مبنای نظری در مورد منشاء پیدایش وضعیت اضطراری عمل می‌نماید. نظریه تزاحم ضرورت‌ها، نزدیک به نظریه‌ای است که فقها تحت عنوان «تزاحم احکام» مطرح کرده‌اند؛ با این تفاوت که مباحث فقها در باب تزاحم احکام، اساساً به منظور تعیین تکلیف مکلّفین در انجام وظایف دینی است؛ در حالی که منظور از نظریه تزاحم ضرورت‌ها؛ دستیابی به ضابطه‌ها و شاخص‌هایی است که بتواند در تشخیص ضرورت‌های ارجح به کار آید.

۵-۲-۲-۲. اخلاق‌گراییِ حقوقی

سودای بنیان نهادن حقوق بر پایه‌های اخلاق، از خصلت ذاتیِ هنجاریِ آن نشأت می‌گیرد. فارغ از اختلاف‌نظرهای همیشگی فلاسفه حقوق در باب رابطه میان قانون و اخلاق و همچنین تفاوت‌های میان قواعد اخلاقی و قوانین بشری، بایستی اذعان داشت که اخلاق، از ثبات و جامعیت بیشتری نسبت به سایر منابع حقوق برخوردار است (نیکخواه و علی عسگری، ۱۳۹۴، ۱۲). منظور از اخلاق‌گرایی حقوقی، این است که حقوق، بایستی در خدمت اخلاق باشد و قانون‌گذار، اَعمال مخالف اخلاق را قابل تنبیه و پیگرد اعلام نماید (نجفی توانا و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲، ۱۵۴)؛ بر این مبنا و درخصوص اضطرار نیز می‌توان گفت که تئوری تزاحم ضرورت‌ها و لزوم تقدیم اهم بر مهم، نیازمند متممی است؛ چرا که این قاعده به تنهایی، صِرف جواز تکلیفی عمل را اثبات می‌کند، نه جواز وضعی آن را (دانش نهاد و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ۷۰)؛ بنابراین و در جستجوی جواز وضعی عملِ ناشی از اضطرار، نیازمند مبانی اخلاقی نیز می‌باشیم که از جمله آنها می‌توان به تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۴،

www.SID.ir

Archive of SID

۱۵۰) و نیز وجوب نجات جان دیگران ولو به بهای اضرار به غیر (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۰، ۱۳۳) اشاره نمود.

۵-۳. تأثیر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی

پس از تبیین مختصر مفاهیم کلیدی پژوهش، ادلّه فقهی و مبانی نظری اضطرار، در این قسمت با تکیه بر موارد گفته شده، تأثیر عنصر مزبور بر قراردادهای اقتصادی را تبیین و ارزیابی خواهیم نمود.

۵-۳-۱. تأثیر اضطرار بر مفاد و شروط قرارداد اقتصادی

وجود اضطرار و وضعیت خاص ناشی از آن، می‌تواند سوق‌دهنده طرفین قرارداد یا یکی از آنها به عدم اجرای تعهد، انجام نقصان یافته آن و یا زیرِ پا گذاشتن شروط منصفانه قراردادی گردد؛ شاید بتوان مهمترین مصداقِ ناشی از تأثیر اضطرار بر مفاد و شروط قرارداد اقتصادی را سوءاستفاده از شرایط اضطراریِ طرف قرارداد تلقی نمود؛ مانند اینکه یک طرف قرارداد، با اطلاع از وضعیت اضطراریِ طرف مقابل خود، شروط یا قیمتی را تحمیل کند که در حالت عادی هیچ طرف قراردادی، حاضر به انعقاد آن نباشد. با وجود اطلاق دیدگاه اکثریت فقها و همچنین ماده ۲۰۶ قانون مدنی مبنی بر صحت قرارداد مضطر بدون تفاوت در فرض سوءاستفاده یا عدم سوءاستفاده از وضعیت اضطراریِ طرف مقابل، بایستی گفت این صحیح است که اضطرار درونی شخص، وی را وادار به انعقاد قرارداد می‌کند که فی‌نفسه غیرمشروع نیست، ولی چهره‌ی خشن این معاملات، روی دیگر آن است که یک طرف در صورت اطلاع از آن وضعیت، دچار وسوسه می‌شود و از آن بهره‌برداری غیرعادلانه می‌کند؛ امری که وجدان انسانی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و به آن واکنش قهری نشان می‌دهد؛ واکنشی که به حکم تشخیص ذاتیِ عقل نسبت به قبح اَعمال، نه تنها جدا از آموزه‌های اخلاقی و شرعی نیست، بلکه دقیقاً با آن منطبق است (کاظم‌پور، ۱۳۹۱، ۱۳-۱۰). در حالت سوءاستفاده یک طرف قرارداد از وضعیت اضطراری طرف مقابل، استناد به حدیث رفع، محلّی از اعراب نخواهد داشت؛ چرا که عدم مسئولیت بر مبنای اضطرار، ناظر بر شخص مضطر است و نه طرف مقابل وی در معامله؛ مضاف بر اینکه سوءاستفاده از وضعیت اضطراریِ طرف قرارداد، مترادف با تحمیل ضرر ثانویه به وی می‌باشد که صراحتاً به موجب مفاد قاعده لاضرر نهی گردیده است. علاوه بر آنچه گفته شد، بایستی این مطلب را نیز اضافه نمود که سوءاستفاده از وضعیت اضطراریِ طرف قرارداد، مبانی نظری اضطرار را نیز مورد خدشه قرار می‌دهد؛ توضیح مطلب اینکه شخص مضطر در مقام رفع تزاحم ضرورت‌ها و با تقدیم اهم بر مهم، به دفع ضرر اشد با ضرر اخف می‌پردازد؛ در این حالت چنانچه یک طرف قرارداد اقتصادی با سوءاستفاده از وضعیت اضطراریِ طرف مقابل، به تحمیل هزینه و شروط غیرمنصفانه قراردادیِ دوباره به وی مبادرت ورزد، چه بسا ضرر اخف تحمیل شده بر طرف مضطر، از لحاظ میزان و گستره به ضرر اشد نهی شده نیز

www.SID.ir

Archive of SID

برسد که به هیچ عنوان منطقی و عقلایی نیست. تعارض آشکار وضعیت مزبور با موازین اخلاقی نیز نیازی به تفصیل ندارد.

۵-۳-۲. تأثیر اضطرار بر بقاء یا انحلال قرارداد اقتصادی

امروزه در حقوق تعهدات، اصل ثبات یا استحکام قراردادها را به عنوان یک قاعده کلّی و عمومی به رسمیت می‌شناسند. نتیجه عملی این اصل، الزام طرفین به پایبندی به انجام تعهدات مندرج در قرارداد است. اگرچه ساده‌ترین راه برای پایان قرارداد، پایبندی طرفین به مفاد آن است، اما در برخی موارد، به دلایلی وفای به عهد دشوار و گاه غیرممکن می‌گردد. عدم امکان اجرای قرارداد، ممکن است به سبب بی‌مبالاتی و تقصیر طرفین قرارداد یا به گونه‌ای قابل انتساب به آنان باشد؛ این امکان نیز وجود دارد که متعاقدین نقشی در شرایط به وجود آمده نداشته باشند؛ به عبارت دیگر انجام نشدن تعهد، خارج از خواست و اراده آنان باشد (بنایی اسکویی، ۱۳۹۱، ۴۶) که یکی از دلایل آن را می‌توان اضطرار و وجود وضعیت اضطراری قلمداد نمود. مستنبط از مادتین ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون مدنی (آرامش، ۱۳۸۸، ۳۶). درخصوص قوه قهریه، اضطرار وضعیتی است که نمی‌توان آن را به متعهد مربوط دانست؛ اعم از اینکه ارتباطی با قلمرو فعالیت متعهد داشته باشد یا صرفاً ناشی از عوامل بیرونی و جدای از متعهد باشد. اضطرار ممکن است حسب مورد، موجب تعلیق قرارداد اقتصادی، انحلال آن، سقوط تعهد و همچنین معافیت از مسئولیت قراردادی گردد که کاملاً با مفاد حدیث رفع و معافیت طرف مضطـر، همگام و هم راستا می‌باشد؛ البته بایستی توجّه داشت که با توجّه به مفاد قاعده لاضرر، چنانچه تعلیق قرارداد اقتصادی به موجب وضعیت اضطراریِ یکی از طرفین، موجب اضرار فاحش طرف مقابل گردد، پذیرفتنی نیست؛ همین‌گونه است درخصوص انحلال قرارداد، سقوط تعهدات طرفِ مضطر و همچنین معافیت وی از مسئولیت قراردادی. همچنین با توجّه به اینکه شخص مضطر در مقام رفع تزاحم ضرورت‌ها و با تقدیم اهم بر مهم، به دفع ضرر اشد با ضرر اخف می‌پردازد، چنانچه تعلیق یا انحلال قرارداد اقتصادی، ضرری همپای زیانِ اشد دفع شده را به طرف قراردادِ مضطر وارد آورد، این امر نیز از لحاظ عقلایی نمی‌تواند چندان مورد پذیرش باشد.

۶. نتیجه‌گیری

مواجهه با شرایط اضطراری و تأثیر آن بر نظام قراردادها به طور عام و قراردادهای اقتصادی به طور خاص، یکی از مباحث مهم دوران حاضر است که در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته شد. نظر به مهمترین ادلّه فقهی اضطرار (حدیث رفع و قاعده لاضرر) و همچنین با توجّه به اهمّ مبانیِ نظـری آن (تـزاحم ضـرورت‌ها و اخـلاق‌گرایی حقوقی)، تلاش نگارندگان در راستای تبیین و ارزیابیِ تأثیر عنصر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی با تکیه بر مؤلّفه‌های گفته شده بود. یافته‌های پژوهش، حاکی از تأثیرگذاریِ عنصر اضطرار بر نظام قراردادهای اقتصادی در دو

www.SID.ir

Archive of SID

سطح مختلف می‌باشد که عبارتند از: تأثیر اضطرار بر مفاد و شروط قرارداد اقتصادی و همچنین تأثیر اضطرار بر بقاء یا انحلال قراردادهای اقتصادی. مهمترین مصداق ناشی از تأثیر عنصر اضطرار بر مفاد و شروط قرارداد اقتصادی را می‌توان در حالت سوءاستفاده یک طرف قرارداد از وضعیت اضطراری طرف مقابل مشاهده نمود که قابلیت بالقوه نقض قاعده لاضرر و همچنین تحمیل زیان ثانویه به طرف مضطر قرارداد را دارا می‌باشد. درخصوص تأثیر عنصر اضطرار بر بقاء یا انحلال قراردادهای اقتصادی نیز بایستی گفت که چنانچه انحلال قرارداد اقتصادی ناشی از وضعیت اضطراریِ یکی از طرفین، موجب اضرار فاحش طرف مقابل گردد، پذیرفتنی نیست؛ مضاف بر اینکه چنانچه انحلال قرارداد اقتصادی، ضرری همپای زیانِ اشد دفع شده را به طرف مضطرِ قرارداد وارد آورد، این امر نیز از لحاظ عقلایی مورد پذیرش نیست. در مجموع به نظر می‌رسد در صورت عدم پیش‌بینیِ ساز و کارهای حقوقی و قانونی لازم به منظور کنترل دامنه تأثیرات عنصر اضطرار بر مفاد، شروط، بقاء و همچنین انحلال قرارداد اقتصادی، تأثیرات مزبور علاوه بر تعارض با ادلّهٔ فقهی و مبانی نظری اضطرار، باعث دور شدن موازین حقوقی از انگاره‌های اخلاقی و قواعد مبتنی بر انصاف در معاملات خواهند گردید و جلوگیری از این وضعیت و آثار آن، مستلزم نگاه و تدبیر ویژه نظام قانون‌گذاری کشور است.

۷. سهم نویسندگان

در این پژوهش، نویسنده دوم به عنوان نویسنده مسئول، نویسنده نخست به عنوان همکار اصلی و نویسنده سوم نیز ناظر تحقیق می‌باشند.

۸. تضاد منافع

در پژوهش انجام شده، هیچگونه تضاد منافعی وجود ندارد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- آخوند خراسانی، محمّد کاظم، کفایه الاصول، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت لأحیاء التراث، ۱۴۱۷.

- آرامش، رسول، اضطرار و مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۸.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق احمد فارس، چاپ سوم، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۴.

- اردبیلی، احمد ابن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الاذهان، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳.

- امام خمینی (الموسوی الخمینی)، سید روح الله، تهذیب الاصول، جلد سوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.

- انصاری، مرتضی بن محمّد امین، فرائد الأصول، جلد دوم، چاپ دوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲.

- باریکلو، علیرضا، «ضمانت اجرای حقوقیِ سوءاستفاده از وضعیت اضطراریِ طرف قرارداد، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی»، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۸۲.

- بنایی اسکویی، مجید، «انحلال قهری و اختیاری قرارداد متعذر شده»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق مدنی، شماره دوم، ۱۳۹۱.

- حکیمیان، علی محمّد، «حکم فقهی سوءاستفاده از اضطرار و اثر آن در قرارداد»، فصلنامه پژوهش-های فقهی، دوره سیزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۶.

- حیدری خورمیزی، سید محمّد، «رویکردی نوین در بررسی قاعده اضطرار با نگاه به موارد رفع تزاحم»، دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شماره یکم، ۱۳۹۵.

- دانش نهاد، محمّد، علیشاهی قلعه جوقی، محمّد، «مبانی قاعده اضطرار در مسئولیت مدنی اضخاص و دولت»، فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، سال سوم، شماره پیاپی ششم، ۱۳۹۶.

- سعادت مصطفوی، سید مصطفی، نورآبادی، علیرضا، «وضعیت معاملات مضطر در حالت سوءاستفاده از اضطرار (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجارت بین‌المللی)»، دوفصلنامه علمی - تخصصی آموزه‌های حقوقی گواه، سال سوم، شماره دوم (پیاپی پنجم)، ۱۳۹۶.

- شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمّد جواد، قاعده لاضرر و یلیه افاضه القدیر فی احکام العصیر، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷.

- قافی، حسین، «ماهیت و میزان اعتبار قرارداد الحاقی»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره یکم، شماره دوم، ۱۳۸۳.

- کاظم‌پور، سید جعفر، «حمایت از مضطر در معاملات اضطراری؛ مبانی و راهکارها»، مجله

www.SID.ir

Archive of SID

حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و ششم، شماره هشتاد، ۱۳۹۱.

- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات علوم اسلامی، ۱۴۰۶.

- مراغه‌ای، سیّد میر عبدالفتاح، العناوین، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۹.

- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ششم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.

- مکارم شیرازی (آیت الله العظمی)، ناصر، القواعد الفقهیه، چاپ دوم، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۵.

- موسوی بجنوردی، سیّد حسن، القواعد الفقهیّه، جلد اول، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳.

- نجفی، محمّد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.

- نجفی توانا، علی، مصطفی‌زاده، فهیم، «جرم-انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره هشتم، ۱۳۹۲.

- نراقی، ملا احمد، عوائد الأیام، جلد دهم، چاپ دوم، قم، انتشارات بصیرتی، ۱۴۱۵.

- نوربها، رضا، حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات راهنما، ۱۳۹۰.

- نیکخواه، رضا، علی عسگری، ابراهیم، «نقش پنهان اخلاق در حقوق»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال پنجم، شماره پانزدهم، ۱۳۹۴.

- وطنی، امیر، «بررسی فقهی اضطرار و ضرورت»، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، دفتر هفتاد و یکم، ۱۳۸۱.

www.SID.ir

Archive of SID

مطالعات فقه اقتصادی
Economic Jurisprudence Studies

The effect of the element of urgency on the system of economic contracts based on jurisprudential arguments and its theoretical foundations

Mohsen Rajabzadeh[1], Alireza Mazloom Rahni[2*], Alireza Rajabzadeh[3]

1. PhD Student in Private Law Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
2. Assistant Professor Department of Law, Faculty of Humanities, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Faculty of Humanities, Raja University, Qazvin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 89-100

Article history:

Received: 17 Jul 2021

Edition: 28 Sep 2021

Accepted: 30 Nov 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Urgency, Hindering, Narrative of Elimination, Harmless Rule, Economic Contract.

Corresponding Author:
Alireza Mazloom Rahni

Address:
Department of Law, Faculty of Humanities, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:
0000-0001-9806-2856

Tel:
076-35287001

Email:
dr.mazloom14@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Facing emergencies and, consequently, non-fulfillment of obligations contained in contracts, is one of the important issues in the new era. Considering the close relationship between the Iranian legal system and the rules and rules of jurisprudence and considering the theoretical foundations of urgency, the effect of this element on the system of economic contracts based on the said components, the purpose of this study.

Materials and Methods: The type of research is descriptive and the method used is descriptive-analytical.

Ethical considerations: In this research, preserving the originality of texts and fidelity in quoting speech, as a moral imperative, has been considered by the authors.

Results: The findings of the study indicate the effect of the element of urgency on the system of economic contracts at both levels of the terms and conditions of the economic contract as well as its survival or dissolution.

Conclusion: The study of the effect of urgency on the system of economic contracts with regard to jurisprudential arguments and its theoretical foundations, shows that if the necessary legal mechanisms to control the scope of these effects are not foreseen, their obvious conflict with jurisprudential arguments will be ineffective. Theoretical foundations and moving away from the main philosophy of the state of emergency will not be far from the mind.

Cite this article as: Rajabzadeh M, Mazloom Rahni AR, Rajabzadeh AR. The effect of the element of urgency on the system of economic contracts based on jurisprudential arguments and its theoretical foundations. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(4): 89-100.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).

www.SID.ir